جستار

پس از برجام چه خواهد شد؟

احمد زید آبادی
روزنامه‌نگار و فعال سیاسی

به فرض احیای برجام و رفع تحریم‌ها، فضای داخلی ایران چه سمت و سویی پیدا خواهد کرد؟ عموم مردم به‌خصوص کنشگران حوزه‌های گوناگون، خواهان ترسیم تصویر شفافی در این مورد از سوی تحلیلگران سیاسی‌اند. ارائهٔ تصویر شفاف به‌ویژه از آینده طبعاً در توان آدم‌زاد نیست و حداکثر کاری که در این زمینه از افراد برمی‌آید، گمانه‌زنی و سناریونویسی از احتمالات پیش رو، بر مبنای شناسایی برآیند قدرت تأثیرگذاری نیروهای ذی‌نفوذ و درک محدودیت‌های شرایط محیطی هر یک از آنهاست. آنچه از هم اکنون کم و بیش قابل فهم است، مخالفت طیفی از تندروترین نیروهای جناح اصولگرا با احیای برجام است. اگر فرض کنیم که این طیف امکان و قدرت پیشگیری از احیای برجام را نداشته باشد، آنگاه پرسش اصلی این خواهد شد که، رفتار آنها پس از اجرایی شدن برجام چه خواهد بود؟ این طیف که خود را «حیوی با به رکاب نظام» معرفی می‌کند، به زبان بی‌زبانی در حال انتقال این پیام به نظام سیاسی است که اگر ارادهٔ آنها برای «سیزه‌جویی دائمی در هر دو حوزهٔ سیاست خارجی و داخلی در نظر گرفته نشود، ممکن است حمایت خود را بردارند و در آن صورت، حکومت بدون پشتوانهٔ آنان در برابر فشار نیروهای منتقد و مخالف، بی‌پناه و بی‌یار و یاور خواهد ماند. واقعیت آما این است که سیزه‌جویی مورد علاقهٔ این طیف، مشکلات فراوانی را بر نظام سیاسی تحمیل کرده است به طوری که ادامهٔ آن چه بسا تار و پود اقتصاد کشور را از هم بگسلد. با این حساب، نامرحلهٔ احیای برجام بعید است حکومت به علاقهٔ این طیف گوش نهد. اما پس از احیای احتمالی برجام، داستان به چه صورت پیش خواهد رفت؟ قاعدتاً پس از آنکه برجام به طور رسمی از سوی کلیت نظام پذیرفته شود، برخی از اجزاء این طیف بنا به منفعت‌جویی‌های مرسوم، از شدت مخالفت خود با اجرای برجام خواهد کاست. در واقع سناریوهای پیش روی کشور بر مبنای نوع پاسخ به این پرسش قابل گمانه‌زنی است. اگر نظام سیاسی از جریان حمایت این طیف بگذرد و یا محدود کردن آنان، در صدد گسترش پایگاه اجتماعی خود به سمت نیروهای میانه‌رو تر جامعه برآید، در آن صورت، فضای سیاسی کشور تلطیف و راه مشارکت عمومی در اداره‌ٔ جامعه هم با شیبی ملایم و تدریجی بازتر می‌شود. این ماجرا البته دو طرف دارد. یک طرف آن، نظام سیاسی و میزان درک و احساس نیاز از آن به گسترش پایگاه اجتماعی خود در صورت از دست دادن تندترین طیف اصولگرایان است و طرف دیگر آن، نیروهای میانه‌رو تر جامعه و میزان ظرفیت و آمادگی و پذیرش جریان‌های سیاسی نمایندهٔ آنان برای ورود به این عرصه و کنشگری متفاوت آنان نسبت به گذشته است. قاعدتاً هر کدام از دو طرف این معادله اگر از آمادگی ذهنی و عملی لازم برای ورود به این مرحله برخوردار نباشند، شرایط بی‌نهایت پیچیده‌ای پیش خواهد آمد. در این میان اما اگر نظام سیاسی به حمایت طیف تندرو به اندازه‌ای متکی و نیازمند باشد که بکوشد تا پس از احیای برجام از هر طریق ممکن رضایت آنان را جلب کند، وضعیت سیاسی کشور روند متفاوتی پیدا خواهد کرد. جلب رضایت طیف تندرو، طبعاً جز از طریق در پیش گرفتن سیاست‌های تندروانه در دو عرصهٔ داخلی و خارجی ممکن نیست. برای این منظور، احتمال دارد به طیف تندرو گفته شود که احیای برجام به معنای کوچکترین نرمشی در سیاست خارجی کشور نیست و برای اثبات آن، برخی برخوردهای منطقه‌ای و رفتارهای حساسیت‌زای بین‌المللی تشدید شود. در این صورت، مطمئناً برجام با دیگر به خطر می‌افتد و فواید اقتصادی آن برای کشور صفر می‌شود. در عین حال، ممکن است به طیف تندرو تفهیم شود که میزانی از ترمش در حوزهٔ سیاست خارجی ضروری است، اما قرار نیست در سیاست داخلی کمترین تغییر و اصلاحی رخ دهد و در این زمینه اینکار بعید خواهد بود در آینهٔ خواهد بود. در این صورت، تندروها که بقا و فلسفهٔ وجودی‌شان گویی به بحران‌سازی گره خورده است، قاعدتاً برخود با رسانه‌ها و فضای مجازی و معدود نهادهای مدنی و سیاسی را توسیه خواهند کرد به‌خصوص اینکه ممکن است گمان کنند که در آمدهای نفتی ناشی از احیای برجام، حساست عمومی نسبت به وضعیت معیشتی و رسانه‌ای کشور را کاهش خواهد داد. این اقدام هم اما صرفاً بحران‌آفرین است و پیامدهای آن برای کشور و نظام در حد غیر قابل تصوری زیان‌بار خواهد بود.

نگاه

آیا دولت برنامه ندارد؟!

ادامه از صفحه یک / آیا اعتقادی به برنامه‌های کارشناسانه ندارند؟ کسی از اصولگرایان انتظار ندارد که مثلاً اقتصاددانان چیگارا را مامور تهیه و تدوین برنامه کنند، ولی کارشناسان مستقل زیادی وجود دارند که می‌توانند به ایشان مشورت‌های مهم راهبردی بدهند تا هنگام تصدی دولت دستشان از برنامه خالی نباشد. آنها خیلی بهتر حتی می‌توانند از اعتقاد خود سود برند و آزمیش برای برنامه‌های خویش بارکان قوا هماهنگ باشند. ومثلاً اگر جراحی‌های اقتصادی لازم است همه مقدمات کار را فراهم کنند. اکنون پس از هفتاد هنوز دولت قاطعانه نمی‌داند که می‌خواهد و می‌تواند از ۴۲۰۰ تومانی را حذف کند یا خیر؟ واگر می‌داند نمی‌تواند مجلس همسو با خود را در این زمینه هماهنگ کند و برای عوارض ناشی از این اقدام حساس و سخت روش‌های جایگزین را برگزیند؟ در دیگر زمینه‌ها هم گویی وضع به همین منوال است و دیده نشده که هنگام وقوع حادثه‌ای دولت آزمیش آماده باشد و چون کسی که ازقبل فکر همه چیز را کرده باشد وارد عمل شود. امید می‌رود برای هرچه برنامه نداشته باشد برای موفقیت یاعدم موفقیت در برجام فکر کرده باشند و با خویش نگویند: چوده را بیاید فکر فردا کنیم! رسیدن یا نرسیدن به توافق و حتی طولانی شدن مذاکرات فوق‌العاده مهم است و آثار بسیار زیادی در همه شئون کشور دارد که برنامه نداشتن برای آنها ممکن است به فاجعه ختم شود. عاقلانه و مسئولانه آن است که حداقل ۲ گروه کارشناس مامور شوند که شرایط بعداز رسیدن یا نرسیدن به توافق هسته‌ای را دقیقاً بررسی ونتیجه را به تصمیم‌گیران نظام ارائه کنند تا از طرفی فرصت‌ها از دست نروند و از طرف دیگربحران غیرقابل کنترل پیش نیاید.

ارزش و شأن خانواده

ادامه از صفحه یک / در نوجوانی در جایگاه پدر و یا مادر بنشینند! و نکته جالب‌تر آن که! از طرفی به کودکان و نوجوانان اجازه ازدواج می‌دهند و از طرف دیگر آموزش و پرورش از آموزش اولیه مسائل به همان کودکان و نوجوانان اجتناب می‌کند و برای عدم افراط آن توجیهات خاص می‌آورد و صدا و سیما یکی از مسائل اجتماعی آمریکا را باردارى نوجوانان در آن کشور می‌داند! و با تکیه بر همین شواهد نتیجه می‌گیرد که جامعه آمریکا در حال فروپاشی است! ارزش و شأن خانواده در چه حدی است.

غلامعلی رجایی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

بازنگری قانون اساسی باید به «تقویت جمهوریت» بیانجامد

زمان بازنگری در قانون اساسی فرا رسیده و دیر هم شده

احیای نظام پارلمانی؛ جمهوریت را کمرنگ می‌کند

بی‌برنامگی و ضعف نظارت اعتماد مردم را کاهش داده است

احزاب تهدید نیستند؛ کمک حال حاکمیت هستند

عکس: آرمان ملی/ فاطمه فتاحی

آرمان ملی – حمید شجاعی: چهل و سه سال از انقلاب اسلامی می‌گذرد و فجر چهل و سوم هستیم و در این بین بسیار مطرح می‌شود که از اهداف و شعارهای انقلاب هریک به چه میزان تحقق یافته است. در این خصوص بسیاری بر این عقیده‌اند که امروز شعارهای اولیه‌ای چون استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی تحقق پیدا کرده اما هنوز در خصوص مسائلی همچون آسایش و رفاه مردم، آزادی‌های اجتماعی و مساله عدالت و رفع تبعیض با وجود عملکردهای مثبت هنوز آن‌طور که باید و شاید رضایتمندی مردم کسب نشده و همین امر نیز موجبات کاهش سطح اعتماد جامعه و مردم را رقم زده است. این در حالی است که بسیاری معتقدند با بازنگری و اصلاح در قانون اساسی می‌توان شرایط را به جهت کارکردها و اختیارات بهبود بخشید و به سمت توسعه و پیشرفت حرکت کرد. هر چند که این پیشنهاد مطلوبی به نظر می‌آید اما لزوم و ضرورت آن باید از نظر مقام معظم رهبری مطرح شود و آن زمان است که می‌توان به صورت دقیق وارد این مساله شد. در این راستا برای بررسی بازنگری و اصلاح قانون اساسی و واکنش‌های آن، در صدد تحقق اهداف و شعارهای انقلاب و نیازهای امروز جامعه «آرمان ملی» با غلامعلی رجایی فعال سیاسی اصلاح‌طلب و مشاور سابق مرحوم آیت‌ا... هاشمی رفسنجانی به گفت‌وگو پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

◀ طی چند وقت اخیر بحث اصلاح و بازنگری قانون اساسی به وفور مطـــرح شده و هر کسی از ظن خود به این مساله اشاره و مطالبی را مطرح کرده؛ ارزیابی شما از شرایط فعلی و لزوم بازنگری در قانون اساسی چگونه است؟

معتقدم که زمان بازنگری در قانون اساسی نه تنها فرا رسیده بلکه مقداری هم دیر شده و این مساله امری تعیین کننده است، چرا که قانون ما به صورت ابدی نوشته نمی‌شوند و اینکه در جوامع در طول زمان نیازها و باورهایشان متفاوت می‌شود که قاعدتا به نحوی انعطافی است که با زمان و زمانه تطبیق پیدا می‌کند. از این جهت است که می‌گویم حتی از زمان بازنگری رد شده و باید زودتر بررسی می‌شد. بازنگری هم باید و نبایدهایی دارد و اولا یک امر صد در صد تخصصی بین حقوقدانان و فعالان سیاسی و نخبگانی که در این حوزه‌هاست. اینها می‌توانند ببینند که نقایص چیست و آن مواردی که باید در قانون اضافه شود را کار کنند که این می‌طلبد یکسری مرکب از نخبگان سیاسی، فکری و دانشگاهی و حقوقی بنشینند و روی اینکه چه اصولی می‌تواند در قانون تعدیل شود و چه چیزی اضافه شود بحث کنند و به مقام معظم رهبری پیشنهاد کنند. مجلس نیز در این قضیه می‌تواند پیشنهاد دهنده باشد و چون رهبری تصمیم می‌گیرد اگر از سوی نخبگان و مجلس اقدامی صورت گیرد؛ ایشان نیز می‌بینند که این مساله مطالبه عمومی است. در خصوص بازنگری و تغییر در قانون اساسی نبایدها مهم‌تر از بایدهاست. مثلا ما نمی‌توانیم به هیچ قیمتی بحث رسمی بودن دین اسلام و مذهب تشیع را تغییر دهیم و اینگونه مسائل باید لایتغیر باقی بمانند. مانند قانون اساسی مشروطه که در مورد مصوبات مجلس شورای ملی آن زمان باید ۵ تن از مجتهدان نظر می‌دادند و این دائمی بود. هیچ وقت مجلس شورا نمی‌توانست بدون نظارت این ۵ فقیه مصوباتی داشته باشد. هرچند که این امر در زمان پس از انقلاب و حال کنونی به شکل شورای نگهبان و تایید این شورا در آمده است. نکته مهم دیگر نیز بحث جمهوریت است که به هیچ قیمتی نباید مورد حذف و اصلاح قرار گیرد. رفتن به سمت سیستمی مثل نظام پارلمانی اگرچه یکسری دستاوردها دارد اما از نظر من کم‌کم جمهوریت را کم رنگ‌تر خواهد کرد. معتقدم که در این تغییرات و بازنگری باید مردم بیشتر دیده شوند و اختیارات ملت بیشتر شود و دولت و مجلس نیز از آنجا که توسط مردم انتخاب می‌شوند اختیارات بیشتری پیدا کنند.

> حاکمیت باید دایره خود را توسعه دهد که کسی بیرون از دایره نماند و کسانی که دلشان برای کشور می‌سوزد از این دایره بیرون نمانند

◀ برخی جریانـــات و رسانه‌ها بحث تغییر در قانون اساسی را به نحوی مطرح می‌کنند که گویی فقط به دنبال کمرنگ کردن نقش مردم به‌واسطه رفتن به دنبال نظام پارلمانی هستند! این نوع رویکرد و تاثیر آن بر جامعه را چگونه می‌بینید؟

فکر می‌کنم این یک قضیه حساس است و مثل بیماری که امادگی عمل جراحی ندارد و ممکن است زیر این عمل از جریان برود. به نظرم تا مشخص نشود تیمی که می‌خواهند بنشینند و بررسی کنند به این موارد کاری ندارد و مستقل نخواهند کرد. چون الان مشکلی که ما داریم بحث در حوزه‌های دیگری است. انتخاباتی که برای ریاست جمهوری برگزار شد نگران کننده بود و ممکن است که مردم این عدم اقبال را نسبت به رفراندوم نیز داشته باشند. اگرچه گفتم که از زمان بازنگری و اصلاح در قانون اساسی گذشته ولی تا زمانی که مشکلات معیشتی و زیرساختی حل نشود هر رفراندومی ممکن است که با عدم اقبال مردم در پای صندوق‌های رای منجر شود.

◀ امروز با توجه به اینکه چهل و سه سال از بیروزی انقلاب می‌گذرد و با عنایت به اهداف و شعارهای انقلاب چه میزان این اهداف و شعارها تحقق یافته است؟

برخی اهداف انقلاب مثل استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی در همان سال‌های نخست در حیات امام تحقق پیدا کرد و به بار نشست. اما در ادامه با مشکلاتی مواجه شدیم به‌خصوص در حقوق اجتماعی مردم، بحث جرم سیاسی، اصحاب رسانه و حتی وکلا و اینها مواردی بود که می‌توانست رویکرد و عملکرد بهتری نسبت به آن صورت گیرد. هم اکنون نیز می‌تواند یک بازنگری و تغییر نگاهی در این حوزه‌ها صورت بگیرد که دامنه و فضا برای نخبگان، متفکران، فعالان سیاسی و احزاب بسته نشود و احزاب ما فرمایشی، صوری و کم جان نشوند که قاعدتا در وضع موجود دست و پا بزنند و نتوانند برای حل مشکلات کشور فکر و تدبیر اساسی کنند. تصـــور می‌کنم که در این قضیه باید تامل کرد و سپس اقدام نمود. البته عدم توفیق تنها در این حوزه‌ها نبوده و در حوزه‌هایی همچون ایجاد رضایت در مردم، وضع اقتصاد و معیشت مردم و بالا بردن اعتماد جامعه نیز چندان توفیقاتی نداشتیم. هر چند که بخشی از آن جنبه مدیریت و ناکارآمدی مدیران را دارد و بخشی نیز ناشی از مشکلات منطقه‌ای و بین‌المللی است. امروز هنوز رابطه کشورمان با عربستان قطع است و هم اینکـــه طی سال‌های اخیر با دام سرکشی مثل ترامپ مواجه شدیم که برجام را به محاق برد و معلق کرد. تصورم این است که بین اینها یعنی ناکارآمدی مدیران داخل و بی‌برنامگی و ضعف مفرط و ضعف نظارت که این همه اختلاس‌هایی که هر شب تلویزیون نشان می‌دهد که در کجا چه اختلاسی شده و این مساله اعتماد مردم را بسیار کاهش داده که نتیجه آن را در انتخابات مجلس در سال ۹۸ و ریاست جمهوری در سال جاری مشاهده کردیم. ولی واقع مساله این است که بخشی از این اتفاقات و شرایط نیز به تحریم‌ها و بحث نوع نگاه کشور به ابرقدرت‌های مثل آمریکا باز می‌گردد که چگونه مواضعی داشته باشیم. بله در سال‌های پس از انقلاب در روستاها آب و برق بردیم و اکنون روستاهای کشور زیر شبکه اینترنت هستند و از ظرفیت سرشار زنان نخبه در کارهای دانشگاهی و پزشکی برخوردار بودیم که خود را نشان داده است. اما از طرفی ما در مسائلی همچون خروج نخبگان رشد صعودی و ساعت به ساعت داریم. این مهاجرت‌ها و خروج نخبگان حتی از مقاطع پایین‌تر از دانشگاه شروع می‌شود و برخی پس از تحصیلات متوسطه تصمیم به رفتن و مهاجرت می‌گیرند که چیز عجیبی است. خود اینها نشان می‌دهد که این موج مهاجرت که دامنه آن رو به تزاید است دلیلش این است که در سیاست‌هایمان به‌خصوص در نگاه داشتن مردم توفیق بالایی نداشتیم و برعکس دچار برخی ناکارآمدی‌ها شدیم که مردم را از اینکه معتقد است با وجود برخی در جامعه مقوله اصلاح امکان پذیر نباشد به حدی که این مساله ملموس باشد. اینکه کسی بلافاصله به زندان نرود، رویکرد مبارکی است اما به نظر می‌رسد که این باید در مورد کشنگران سیاسی سریع انجام شود. دهه فجر می‌تواند دهه بازگشت به آزادی‌هایی باشد که مردم در اوایل انقلاب از زبان امام می‌شنیدند و باید در وضع زندانیان سیاسی نیز تجدیدنظر شود. اگر این دو کار با هم انجام شود و رابطه کشور ما با کشورهای منطقه از جمله عربستان خوب شود، می‌توانیم از شرایط فعلی عبور کنیم. هرچند که معتقدم اولویت باید در بحث بازگشت اعتماد مردم باشد و این اعتماد باز نمی‌گردد مگر اینکه وضع معیشت و سفره مردم بهتر شود، ارزش پول ملی بالاتر برود و مردم هم عملا ببینند که در انتخابات دستشان بسته نیست.

> اولویت باید بازگشت اعتماد مردم باشد و این اعتماد باز نمی‌گردد مگر اینکه وضع معیشت و سفره مردم بهتر شود، ارزش پول ملی بالاتر برود و مردم هم عملا ببینند که در انتخابات دستشان بسته نیست

◀ برخی معتقدند که مشکلات اقتصـــادی و معیشتی جامعه صرفا به جهـــت وضع تحریم‌ها نیست و برخی عملکردهای ناموفق نیز در این خصـــوص تاثیـــرگذار بوده و هست؛ اساسا چه میزان به نقش تحریم، برداشته شدن آن و عملکردهای داخلی در وضع زندگی مردم قائلید؟

خیلی قائـــل به تاثیـــر صرف عملـــکردهای ناموفق نیســـتم؛ البته معـــدل کارآمدی دولـــت و مجلس پایین است و امروز یکـــی از ضعیف‌ترین‌هاست. اما با این حال اگر گشایشی در فضای برجام ایجاد شود، با رهنمودهای مقام معظم رهبـــری و عملکردهای مسئولان کشور کار را خوب پیش می‌برد.

◀ بسیاری از سیاسیون به این مساله معتقدند که تحزب گرایی یکی از مسائلی است که می‌تواند یکی از ارکان توسعه و پیشرفت کشور باشد؛ اما این مساله تاکنون آنطور که باید جدی گرفته نشده؛ از دیدگاه شما چگونه می‌توان این مساله را در کشور نهادینه کرد؟

فکر می‌کنم الان اکثر احزاب در بازیگنگ هستند یعنی تابلو آنها برقرار است اما وقتی داخل احزاب شوید خواهید دید چیزی نیست یا مثل ماشینی که راننده ندارد. امروز حزب به معنای واقعی در ایران نداریم. وقتی که یک حزب نتواند در پارلمان ایده‌های خود را دنبال کند، افراد خود را بفرستد و از مردم رای بگیرد و در پارلمان تاثیرگذاری نداشته باشد به درد کار دیگری نمی‌خورند. در کنار مسائل اجتماعی باید عملکرد احزاب با شتاب افزایش و گسترش پیدا کند و هیچ خطری هم حاکمیت را از این طریق تهدید نمی‌کند. هیچ حکومتی در طول تاریخ با حرف زدن و رقابت احزاب دچار مشکل نشده است. قاعدتا باید در رویکرد به احزاب و سهم گیری آنها در قدرت و پارلمان تجدیدنظر شود. تصور آن است که سهم دهی به احزاب زمانی است که آنها را جدی بگیریم. ولی احزاب نیز باید ظرفیت و بنیه لازم را داشته باشند که بتوانند در مدیریت کشور به کمک حاکمیت و مسئولان کشور بیایند.

> اگر قرار است کشایشی در زمینه بین‌المللی و اقتصادی برای کشور ایجاد شود در مرحله نخست باید این طرح‌های نیمه‌تمام به پایان برسد. دولت باید به این سمت حرکت کند و نباید فوائد حاصل از برجام را صرف مسائل روزمره و کوتاه‌مدت کند

◀ بسیاری از سیاسیون معتقدند که تحزب گرایی یکی از مسائلی است که می‌تواند یکی از ارکان توسعه و پیشرفت کشور باشد؛ اما این مساله تاکنون آنطور که باید جدی گرفته نشده؛ از دیدگاه شما چگونه می‌توان این مساله را در کشور نهادینه کرد؟

فکر می‌کنم الان اکثر احزاب در بازیگنگ هستند یعنی تابلو آنها برقرار است اما وقتی داخل احزاب شوید خواهید دید چیزی نیست یا مثل ماشینی که راننده ندارد. امروز حزب به معنای واقعی در ایران نداریم. وقتی که یک حزب نتواند در پارلمان ایده‌های خود را دنبال کند، افراد خود را بفرستد و از مردم رای بگیرد و در پارلمان تاثیرگذاری نداشته باشد به درد کار دیگری نمی‌خورند. در کنار مسائل اجتماعی باید عملکرد احزاب با شتاب افزایش و گسترش پیدا کند و هیچ خطری هم حاکمیت را از این طریق تهدید نمی‌کند. هیچ حکومتی در طول تاریخ با حرف زدن و رقابت احزاب دچار مشکل نشده است. قاعدتا باید در رویکرد به احزاب و سهم گیری آنها در قدرت و پارلمان تجدیدنظر شود. تصور آن است که سهم دهی به احزاب زمانی است که آنها را جدی بگیریم. ولی احزاب نیز باید ظرفیت و بنیه لازم را داشته باشند که بتوانند در مدیریت کشور به کمک حاکمیت و مسئولان کشور بیایند.

◀ با توجه به قریب‌الوقوع بودن توافق هسته‌ای چه چشم‌اندازی پیش روی اقتصاد ایران می‌بینید؟ برداشته شدن تحریم‌ها چه تأثیری روی اقتصاد ایران خواهد گذاشت؟

تحریم‌های بین‌المللی در سال‌های اخیر فشارهای زیادی روی اقتصاد ایران آورده است. این تحریم‌ها به صورت ظالمانه علیه مردم ایران اعمال شده است. به همین دلیل این تحریم‌ها باید برداشته شود و منتی نیز بر ما نگذاشته شود. به هرحال هر کشوری حق دارد که با کشورهای دیگر ارتباط اقتصادی و تجاری داشته باشد و بتواند پول خود را دریافت کند. نکته مهم اینکه اگر تحریم‌ها برداشته شود و ما بتوانیم مانند گذشته در بازارهای جهانی فعالیت داشته باشیم فواید این فعالیت اقتصادی باید در طرح‌های زیربنایی و زیرساختی مورداستفاده قرار بگیرد. در شرایط کنونی ما طرح‌هایی در کشور داریم که بیش از ۵۰ درصد و یا حتی ۸۰ درصد آن تکمیل شده و تنها بخش‌هایی از آن باقی مانده است. به همین دلیل در ابتدا باید این طرح‌های نیمه‌تمام را به پایان برسانیم.

اگر به سمت تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام حرکت کنیم هم اشتغال ایجاد می‌شود و معضل بیکاری از بین می‌رود و هم اینکه دسترسی به خدمات راحت‌تر می‌شود و شرایط بهتری برای کشور به وجود می‌آید. مدیریت پروژه‌های نیمه‌تمام و به پایان رساندن آن در شـــرایط کنونی می‌تواند کمک بزرگی به اقتصاد کشور کند و گشایش‌های بزرگی را به وجود آورد. در طرح‌های پنج‌ساله طرح‌های زیربنایی مهمی وجود داشته که بسیاری از آنها هنوز به بهره‌برداری نرسیده است. به همین دلیل اگر قرار است گشایشی در زمینه بین‌المللی و اقتصادی برای کشور ایجاد شود در مرحله نخست باید این طرح‌های نیمه‌تمام به پایان برسد. دولت باید به این سمت حرکت کند و نباید فواید حاصل از برجام را صرف مسائل روزمره و کوتاه‌مدت کند.

◀ درصورتی که توقف حاصل شود دولت باید چه برنامه‌ای برای مدیریت گشایش‌های احتمالی داشته باشد؟

شرایط کشور به شکلی است که بسیاری از بروژه‌های عمرانی و طرح‌های زیرساختی در وضعیت نیمه‌تمام قرار دارد. از سوی دیگر وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم نیز به صورتی است که نیازهای جدی احساس می‌شود. به همین دلیل اگر گشایشی در زمینه تحریم‌ها و اقتصاد کشور رخ بدهد ما باید این طرح‌ها را به سرانجام برسانیم. شرایط به شکلی نیست که ما برای این گشایش‌ها تصمیم بگیریم که در چه راهی مصرف شود. چالش‌ها و مشکلات اقتصادی به‌اندازه‌ای زیاد شده که نیاز به این کارها نیست و بلکه باید پول‌های به‌دست‌آمده را صرف اموری کرد که در سال‌های اخیر معطل مانده است. اگر کشور در سال‌های اخیر با رشد اقتصادی مواجه بود و وضعیت زندگی مردم مانند امروز نبود شاید می‌شد درباره گشایش‌های اقتصادی احتمالی فکر کرد و برای آن گزینه‌های دیگری در نظر گرفت. این در حالی است که وضعیت به این صورت نیست و چالش‌ها مشخص هستند. به همین دلیل در ابتدا باید به چالش‌ها رسیدگی کرد. دولت باید شرایط پس از برداشته شدن تحریم‌ها را مدیریت کند. باید به سمتی حرکت کنیم که در کشور اشتغال به وجود بیاید و تولید رونق بگیرد. مسأله مهم در این زمینه نگاه به ظرفیت‌های داخلی و استفاده از آنهاست. اگر این اتفاق بیفتد اقتصاد کشور می‌تواند با رشد مواجه شود. بدون تردید تغییر در وضعیت اقتصادی نیازمند تغییر در رویکردها و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی است. رشد اقتصادی زمانی شکل می‌گیرد که یک عزم ملی به وجود بیاید. عزم ملی نیز زمانی شکل می‌گیرد که مسئولان نهادهای مرتبط در مقابل هم قرار نگیرند و مواضع آنها بر ضد یکدیگر نباشد. نکته دیگر اراده ملی برای حل مشکلات است که باید در کشور به وجود بیاید. در سال گذشته مابین ۲۶ تا ۳۶ میلیون تن مواد غذایی دورریز داشته‌ایم. این موضوع نشان می‌دهد که میزان مواد مواد غذایی در کشور بیشتر از استانداردهای بین‌المللی است. در چنین شرایطی یک‌نهاد و سازمان مانند دولت نمی‌تواند به‌تنهایی مشکل را حل کند و بلکه حل مشکلات نیازمند اراده ملی است که همه باید در آن مشارکت داشته باشند.

> اگر قرار است کشایشی در زمینه بین‌المللی و اقتصادی برای کشور ایجاد شود در مرحله نخست باید این طرح‌های نیمه‌تمام به پایان برسد. دولت باید به این سمت حرکت کند و نباید فوائد حاصل از برجام را صرف مسائل روزمره و کوتاه‌مدت کند

◀ برداشته شدن تحریم‌ها در شرایط اتفاق خواهد افتاد که ایران با چین و روسیه نیز قراردادهای بلندمدت اقتصادی بسته است. آیا می‌توان شرایطی را در نظر گرفت که فوائـــد این قراردادها به همراه برداشته شدن تحریم تغییرات مثبت مهمی در اقتصاد به وجود بیاورد؟

قراردادهای بلندمدت همواره بین ایران و کشورهای دیگر وجود داشته و در شرایط کنونی نیز این قراردادها با کشورهایی مانند چین و روسیه بسته‌شده است. به‌هرحال این قراردادها با توجه به فواائد آن برای کشور بسته‌شده است. در یک معامله اقتصادی دو طرف به سود فکر می‌کنند و ایران نیز در همین وضعیت قرار داشته است. نکته مهم در این زمینه مدیریت پیامدهای این قراردادها و همچنین دوران پس از تحریم‌ها توسط دولت است. به نظر من دولت باید از هم‌اکنون برنامه‌ریزی‌های لازم را برای مدیریت دوران پس از تحریم و پیامدهای اقتصادی قراردادهای بلندمدت ایران و چین را انجام بدهد. همه فواائد این قراردادها باید در راستای تقویت تولید و ایجاد اشتغال به کار گرفته شود و دولت باید تلاش کند در این مسیر پس از برداشته شدن تحریم‌ها را مدیریت کند. باید به سمتی حرکت کنیم که در کشور اشتغال به وجود بیاید و تولید رونق بگیرد. مسأله مهم در این زمینه نگاه به ظرفیت‌های داخلی و استفاده از آنهاست. اگر این اتفاق بیفتد اقتصاد کشور می‌تواند با رشد مواجه شود. بدون تردید تغییر در وضعیت اقتصادی نیازمند تغییر در رویکردها و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی است. رشد اقتصادی زمانی شکل می‌گیرد که یک عزم ملی به وجود بیاید. عزم ملی نیز زمانی شکل می‌گیرد که مسئولان نهادهای مرتبط در مقابل هم قرار نگیرند و مواضع آنها بر ضد یکدیگر نباشد. نکته دیگر اراده ملی برای حل مشکلات است که باید در کشور به وجود بیاید. در سال گذشته مابین ۲۶ تا ۳۶ میلیون تن مواد غذایی دورریز داشته‌ایم. این موضوع نشان می‌دهد که میزان مواد غذایی در کشور بیشتر از استانداردهای بین‌المللی است. در چنین شرایطی یک‌نهاد و سازمان مانند دولت نمی‌تواند به‌تنهایی مشکل را حل کند و بلکه حل مشکلات نیازمند اراده ملی است که همه باید در آن مشارکت داشته باشند.

◀ سیاست‌های اقتصادی دولـــــت به چه میزان مبتنی بـــر برنامه‌ریزی‌های بلندمدت بوده است؟ آیا دولت برای حل مشکلات اقتصادی دارای استراتژی و برنامه منسجم است؟

هنوز مدت زیادی از روی کار آمدن دولت نگذشتـــه و تا مدیران انتخاب‌شده به‌خوبی به اوضاع مسلط شوند زمان نیاز دارد. با این‌وجود ما‌های گذشته تلاش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است. تحریم‌ها و عدم ارتباط اقتصادی با کشورهای جهان و از عدم امکان فروش نفت دولت را در وضعیت پر چالشی قرار داده است. هرچند معتقدم دولت در همین مدت کوتاه نیز می‌توانست در برخی مسائل عملکرد بهتری داشته باشد، اما درصورتی که تحریم‌ها برداشته شود شرایط تغییر می‌کند و زمینه‌ها برای بهبود وضعیت اقتصادی در مسائل اقتصادی مردم صورت بگیرد. در شرایط کنونی مردم ما تورم و گرانی‌های زیادی مواجه هستند و قیمت‌ها به‌رغم شعارهایی که دولت می‌دهد همچنان روند صعودی دارد. به همین دلیل دولت باید برای گرانی‌ها چاره‌ای بیاندیشد. در گذشته بین قوای سه‌گانـــه تنش و درگیری وجود داشـــت که امروز این وضعیـــت وجـــود ندارد. بدون تردیـــد این وضعیت از نظر روانـــی شرایـــط تصمیـــم گیـــری را بهتر از گذشته می‌کند و می‌توانـــد زمینه‌های تصمیم‌گیری‌هـــای مهم‌را به وجود بیاورد. در چنین شرایطی اگر تصمیمـــات به‌صورت عقلایی گرفته شـــود و نهادهای تصمیم گیـــر به هم کمـــک کنند من امیدوارم که به‌تدریج بهبودی حاصل خواهد شد. این اتفاق نیز نیازمند ارجح دانستن منافع ملی بر منافع شخصی و گروهی است که باید مـــورد توجه مسئولان مربوطه قرار داشته باشد. در طول مدتی که آقای رئیسی مدیریت کشور را به دست گرفته‌اند سفرهای استانی زیادی رفته و نشست‌های زیادی با نخبگان و کارشناسان به‌خصوص در زمینه اقتصادی برگزار کرده‌اند. بدون تردید این تلاش‌ها در تغییر وضعیت اقتصادی و امنیتی تأثیرگذار است و در آینده می‌تواند شرایط را بهتر کند. ما امیدواریم نتیجه مذاکرات بین ایران و کشورهای غربی درنهایت به نتیجه برسد تا تحریم‌های اعمال شده علیه ایران لغو شود. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که مردم به عمل دولت چشم دوخته‌اند و نه شعارهایی که در رقابت‌های انتخاباتی داده‌شده است. مردم باید تغییر و بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی را در زندگی خود لمس کنند. تنها در چنین شرایطی است که دولت می‌تواند کارنامه قابل قبولی از خود برجای بگذارد.

◀ با توجه به شرایط موجود چه چالش‌ها و فرصت‌هایی پیش روی دولت می‌بینید؟

از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون که ۴۳ سال از آن می‌گذرد کشور با فراز و نشیب‌های زیادی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی مواجه بوده است. در طول سال‌های گذشته ده‌های وجود نداشته که با چالش‌های مختلف در زمینه اقتصادی، نظامی و یا سیاسی مواجه نبوده‌ایم. این نکته‌ای است که باید به آن توجه کرد. موضوع گرانی و اقتصاد نیز از ابتدای انقلاب تاکنون مطرح بوده است. گرانی در کشور یک‌شبه به وجود نیامده که بتوان یک‌شبه آن را از بین برد. این وضعیت به شکل‌های مختلف تا امروز ادامه داشته است. این در حالی است که در برخی مقاطع «گران‌فروشی» نیز به دلیل نوسان قیمت ارز و یا کاهش ارزش پول ملی در کنار تورم قرارگرفته است. امروز کشور با مشکلات مختلف داخلی و خارجی مواجه است. به همین دلیل مسئولان باید پیش از آنکه به دنبال فراگتی و متهم کردن یکدیگر باشند با وحدت رویه عمل کنند تا این مشکلات کاهش پیدا کند که گفتار درمانی و شعار درمانی مشکلات کشور حل نمی‌شود. مشکلات کشور نیاز به عمل درمانی دارد. امروز مهم‌ترین مشکلات مردم کشور مسائل اقتصادی است. در مرحله نخست باید مشکلات معیشتی مردم را به دو قســـمت تقسیم کرد. بخش نخســـت مربوط به مشکلات خارجـــی است کـــه عمدتاً نیز به واردات و صادرات بازمی‌گردد و بخش دوم نیز به سو مدیریت‌های داخل کشور ارتباط پیدا می‌کند. نباید همه مشکلات معیشتی را به رویکرد سیاست خارجی کشور گره زد و بلکه بایـــد واقع‌بینانه به قضیه نگـــاه کرد. ما باید این نکتـــه را بپذیریم که در درون کشـــور استعدادها و ظرفیت‌های زیادی وجود دارد که هنوز نتوانسته‌ایم به‌خوبی از آنها استفاده کنیم.